

Türkmenistanıň özbaşdaklığı gutli bolsun!

Üstümizdäki asrıň türkmen halkına eçen ulı nagmatlarından biri, Wtanmızıň ulı bir böleginde yagnı bugünkü Türkmenistan republikasında milli bir döwletiň esaslanmagı boldı. Barip 1924-nci yilıň oktober ayınıň 27-sinde halkimiziň merdana ogulları Gaygisiz Atabay, Nedirbay Aytakov yalı gerçekleriň tagallası bilen esaslanan milli döwletimiziň yaşıl baydagı bugün beyleki milletleriň baydagı bilen deň hatarda Birleşen milletler guramasınıň önünde mawı asmanda parlap dur.

Geçen 70-80 yilıň dowamında Moskva, Türkmenistanıň baylığını talamakda, halkimiziň milli medeniyetine, diline, ar-namısına yiti zarba urmakda kemin goymadı, nebit, gaz, pagta we beyleki yerüsti hem yerastı bayliklar dogri metropola akrilip, medeniyetimize düybünden yat şol sandan alkohollı içgilere yan bermek däbi yokunç kesel bolup yayradı, alımlardır şahırlarmız milletçilikde ayıplanip "barsa gelmez yola" iyberildi. Türkmen dili kemsidilip, oña resmi bir dil hökmünde orun berilmedi, gepiň keltesi ne siyasi, ne iktisadi, ne-de medeni erk-igtiyar goymadılar, halkimizi gul yalı işledip, gurbanlik mali yalı soydular.

Galanı 3-nci sahıpada

در این شماره :

آنناسولطان	۱۳ ص
دکتر قاراداغلی	۱۴ ص
نخبگان و سفگان	(۲) ص ۲
دیل حاقیندا	۶ ص
قوشغولار	۷ ص
نقد کتاب	۸ ص
ملی کالیندار	۹ ص

بصم از یگ سال

از آغاز انتشار نخستین شماره نشریه گنگش یکسال گذشت. در طول این زمان کوتاه دست اندرکاران نشریه با تمامی مشکلات ستیز کرده تاحدی بر آن چیره گشتند ولی پیچیدگی امر مبارزه سیاسی، عدم اتحاد و یکپارچگی کلیه نیروهای جنبش ملی-دموکراتیک خلق ترکمن، ناباوری برخی از عناصر جنبش به حاد بودن امر مبارزه ملی، دریا پنداشتن سراب اندیشه‌های گذشته برخی جریانات سیاسی و مهمتر از همه گرفتاری‌های دوران مهاجرت... همه و همه دست در دست هم داده ما را در رسیدن به هدف اعلام شده مان در این برهه که همانا تشکیل کنفرانس سراسری می‌باشد با دشواری‌هایی روبرو ساخته که برای درهم شکستن این دگم مبارزه جدی و دوچندان را از یاران می‌طلبد.

در این مدت یکسال ما از کمکهای بی‌شائبه دوستان زیادی برخوردار بودیم که با تمام توش و توان خود در راه انتشار وسیع نشریه در بین علاقمندان کمر همت بستند و نیز دوستانی دیگر با کمکهای مالی خویش ما را در راه اهداف انقلابیمان یاری رساندند.

جنبش ملی-دموکراتیک ملت ترکمن در این برهه حساس تاریخ خویش نسلی فداکار و هوشمند می‌طلبد. فرزندان مبارز خلق ترکمن دیروز در مقابل هجوم وحشیانه و مسلحانه رژیم مرتجع جمهوری اسلامی مردانه ایستادگی کردند، در دوران سخت مهاجرت با ایده‌های بغایت شوونیستی احزاب و گروههای سیاسی که در زیر چتر هواداری از "حفظ تمامیت ارضی ایران" عمق ماندگی و درماندگی عقاید عظمت طلبانه خویش را بروز دادند جانانه نبرد کردند، اینک شایسته است که صف دوست و دشمن، یاران و متحدان حقیقی خویش را در این نبرد جانفرسا یافته، در راه آرمانهای ملی ملت خویش استوار و سترگ رزم مقدس خویش را تداوم بخشند.

بقیه در ص ۴

پیش سوی پرگزارای کنفرانس سراسری مبارزین ترکمن!

سفلگان و نخبگان و عقب ماندگی تاریخی روشنفکران ملت حاکم بر ایران (۲)

بود معدوم و خراب کردند. آنها با استقرار ستم آیت الهی شیعه اثنی عشری، روی ستم شاهنشاهی ملت حاکم را سپید کردند. پایه ریزی سنگ بنای استبداد جدید، این بار نیز با کمک و همراهی خیلی از به اصطلاح روشنفکران و نخبگان سفله پرور و خود فروش ملت حاکم در ایران، صورت گرفت. آنها در آن آشفته بازار انقلاب و در شرایط خلا رهبری جنبش از طرف نمایندگان خود این توده های همیشه اکثریت جامعه، به همراه جماعتی غافل از همه چیز و همه جا که عمدتاً از لایه های فئاتیک و عقب مانده جامعه و رانده شدگان از هر مجمعی، اوباشان، ارازل و عناصر که باورهای پاک مذهبی و ساده آنها از طرف رو حانیت شیعه بیبازی گرفته شده بود، به همراه جماعت دیگری که در طلب جاه و مقام بودند، همگام با تازه به مقام رسیدگان سر مست از قدرت، استبداد سفلگان روحانیت شیعه را بر دوش توده های میانی جامعه، استوار ساختند. این روشنفکران و نخبگان سفله پرور ملت حاکم که در بحبوحه انقلاب، عمدتاً در احزاب و گروههایی با ایدئولوژیها و خط مشی هایی از چپ به اصطلاح معقول تا چپ افراطی و از به اصطلاح لیبرالها تا احزاب راست افراطی و بان ایرانیستی متشکل شده بودند، همگی اعضای ارکستر نامتجانسی بودند که به نسبت و در اشکال مختلف در پایه ریزی استبداد نوین در ایران شرکت جستند. اولین عضو این ارکستر نامتجانس، نهضت آزادی مهدی بازرگان بود که داعیه یدک کشیدن جنبش ملی دکتر مصدق (البته با آلوده کردن آن به ایدئولوژی مذهبی) را داشت. وی، در آن شرایط سرنوشت ساز میتوانست با پافشاری بر یکی از مواد سه گانه برنامه خود، یعنی تشکیل مجلس موسسان و بجای بایگانی کردن نامه اعتراضی گروهی از افراد کابینه خود علیه تشکیل مجلس خبرگان و بجای اعزام نیروهایی از ارتش و اوباشان حزب الهی به کردستان، ترکمن صحرا و بر سر ملت بلوچ و عرب و بجای چسبیدن به پست وزارت، حداقل استعفاي خود را از سمت نخست وزیری دولت موقت میداد، مسلماً مورد استقبال اکثریت آزادیخواهان و مردم ایران قرار میگرفت. این امر، میتوانست برای خمینی و سفلگان روحانی همراه وی چاره ای جز تسلیم به تشکیل مجلس موسسان با ب

توده های میانی ایران، دوباره با نفرت از حکومت سفلگان و با انزجار ازدروغ و تزویر روشنفکران سفله پرور و جهت زدودن غبار سنگین استبداد و استعمار، از حیات خود بپا خاستند. این همیشه اکثریت جامعه دوباره پیروز شد، ولی هنوز فروغ آزادی طلوع نکرده بود که دوباره ظلمات اختناق فرا رسید. دشمنان و گورکنان انقلاب آنها، دوباره با سوء استفاده از فضای گیج کننده و بی سرو سامان و هرج و مرج بعد از انقلاب که مرحله ایست طبیعی پس از هر انقلاب اجتماعی در جهان، و بسا استفاده از باورهای عقب مانده مذهبی و ناآگاهی سیاسی توده ها که بنوبه خود، محصول حکومت استبدادی شاه و شاهان و بیبازی گرفته شدن باورهای مذهبی مردم از طرف خود روحانیون شیعه در طول قرنهای بوده است، بر جامعه مسلط شدند.

سفلگان نوین، اولین سنگ پایه استبداد را با تشکیل شورایی بنام شورای انقلاب، بجای تشکیل شورایی از نمایندگان کلیه آحاد مردم، احزاب و گروههای شرکت کننده در انقلاب، بنا گذاشتند. این شورا که کاملاً بصورت مخفی و فرمایشی تشکیل شده بود، ترکیبی از افراد گمنام ولی خدمتگذار امام خمینی بودند که هیچگاه نقش مؤثری در تحقق انقلاب مردم نداشتند. آنها، سپس مجلس موسسان را بکناری افکندند و مجلس خبرگان خود را که از سفلگان پیرو امامشان تشکیل شده بود، بجای آن نهادند. در این مجلس سفلگان بود که آنها به امام خود، مقامی با اختیارات لایتناهی زمینی و آسمانی دادند و برای وی مقوله ای بنام ولایت فقیه را اختراع کردند! بدین سان بود که آنها، این توده های همیشه اکثریت جامعه را از مقام ملت قهرمان به امت صغیر و همیشه در صحنه بردگی و اطاعت تنزل دادند! متولیان شیعه اثنی عشری ایران به رهبری امام سفله خود، جهت محو تمامی آثار و علائم آزادی و آزادیخواهی در جامعه، مانند فاتحان جنگ علیه دشمن، از هیچ خشونت و بیرحمی و خونریزی دریغ نکردند. با اعدامهای شتاب زده و بدون محاکمه، پر کردن زندانها، تعطیل احزاب و اصناف و روزنامه ها، تعطیلی دانشگاهها و بسیاری از مدارس، تصفیه کلیه سازمانهای دولتی از وجود افراد دگر اندیش، سوار بر بولدوزر گروگانگیری و با پرچم مرگ بر آمریکا و شوروی، هر چه بر سر راهشان

سفلگان و نخبگان و عقب ماندگی تاریخی روشنفکران ملت حاکم بر ایران (۲)

بود معدوم و خراب کردند. آنها با استقرار ستم آیت الهی شیعه اثنی عشری، روی ستم شاهنشاهی ملت حاکم را سپید کردند. پایه ریزی سنگ بنای استبداد جدید، این بار نیز با کمک و همراهی خیلی از به اصطلاح روشنفکران و نخبگان سفله پرور و خود فروش ملت حاکم در ایران، صورت گرفت. آنها در آن آشفته بازار انقلاب و در شرایط خلا رهبری جنبش از طرف نمایندگان خود این 'توده های همیشه اکثریت جامعه'، به همراه جماعتی غافل از همه چیز و همه جا که عمدتاً از لایه های فنیاتیک و عقب مانده جامعه و رانده شدگان از هر مجمعی، اوباشان، ارازل و عناصر که باورهای پاک مذهبی و ساده آنها از طرف رو حانیت شیعه بپازی گرفته شده بود، به همراه جماعت دیگری که در طلب جاه و مقام بودند، همگام با تازه به مقام رسیدگان سر مست از قدرت، استبداد سفلگان روحانیت شیعه را بر دوش توده های میانی جامعه، استوار ساختند. این روشنفکران و نخبگان سفله پرور ملت حاکم که در بحبویه انقلاب، عمدتاً در احزاب و گروههایی با ایدئولوژیها و خط مشی هایی از چپ به اصطلاح 'مقول' تا چپ افراطی و از به اصطلاح 'لیبرالها' تا احزاب راست افراطی و پان ایرانیستی متشکل شده بودند، همگی اعضای ارکستر نامتجانسی بودند که به نسبت و در اشکال مختلف در پایه ریزی استبداد نوین در ایران شرکت جستند. اولین عضو این ارکستر نامتجانس، نهضت آزادی مهدی بازرگان بود که داعیه یدک کشیدن جنبش ملی دکتر مصدق البته با آلوده کردن آن به ایدئولوژی مذهبی را داشت. وی، در آن شرایط سرنوشت ساز میتوانست با پافشاری بر یکی از مواد سه گانه برنامه خود، یعنی تشکیل مجلس موسسان و بجای بایگانی کردن نامه اعتراضی گروهی از افراد کابینه خود علیه تشکیل مجلس خبرگان و بجای اعزام نیروهایی از ارتش و اوباشان حزب الهی به کردستان، ترکمن صحرا و بر سر ملت بلوچ و عرب و بجای چسبیدن به پست وزارت، حداقل استعفای خود را از سمت نخست وزیری دولت موقت میداد، مسلماً مورد استقبال اکثریت آزادیخواهان و مردم ایران قرار میگرفت. این امر، میتوانست برای خمینی و سفلگان روحانی همراه وی چاره ای جز تسلیم به تشکیل مجلس موسسان با ب

توده های میانی ایران، دوباره با نفرت از حکومت سفلگان و با انزجار از دروغ و تزویر روشنفکران سفله پرور و جهت زدودن غبار سنگین استبداد و استعمار، از حیات خود بپا خاستند. این همیشه اکثریت جامعه دوباره پیروز شد، ولی هنوز فروغ آزادی طلوع نکرده بود که دوباره ظلمات اختناق فرا رسید. دشمنان و گورکنان انقلاب آنها، دوباره با سوء استفاده از فضای گیج کننده و بی سرو سامان و هرج و مرج بعد از انقلاب که مرحله ایست طبیعی پس از هر انقلاب اجتماعی در جهان، و با استفاده از باورهای عقب مانده مذهبی و ناآگاهی سیاسی توده ها که بنوبه خود، محصول حکومت استبدادی شاه و شاهان و بپازی گرفته شدن باورهای مذهبی مردم از طرف خود روحانیون شیعه در طول قرنهای بوده است، بر جامعه مسلط شدند.

سفلگان نوین، اولین سنگ پایه استبداد را با تشکیل شورایی بنام شورای انقلاب، بجای تشکیل شورایی از نمایندگان کلیه آحاد مردم، احزاب و گروههای شرکت کننده در انقلاب، بنا گذاشتند. این شورا که کاملاً بصورت مخفی و فرمایشی تشکیل شده بود، ترکیبی از افراد گمنام ولی خدمتگذار امام خمینی بودند که هیچگاه نقش مؤثری در تحقق انقلاب مردم نداشتند. آنها، سپس مجلس موسسان را بکناری افکندند و مجلس خبرگان خود را که از سفلگان پیرو امامشان تشکیل شده بود، بجای آن نهادند. در این مجلس سفلگان بود که آنها به امام خود، مقامی با اختیارات لایتناهی زمینی و آسمانی دادند و برای وی مقوله ای بنام 'ولایت فقیه' را اختراع کردند! بدین سان بود که آنها، این 'توده های همیشه اکثریت' جامعه را از مقام 'ملت قهرمان' به 'امت صغیر' و همیشه در صحنه بردگی و اطاعت تنزل دادند! متولیان شیعه اثنی عشری ایران به رهبری امام سفله خود، جهت محو تمامی آثار و علائم آزادی و آزادیخواهی در جامعه، مانند فاتحان جنگ علیه دشمن، از هیچ خشونت و بیرحمی و خونریزی دریغ نکردند. با اعدامهای شتاب زده و بدون محاکمه، پر کردن زندانها، تعطیل احزاب و اصناف و روزنامه ها، تعطیلی دانشگاهها و بسیاری از مدارس، تصفیه کلیه سازمانهای دولتی از وجود افراد دگر اندیش، سوار بر بولدوزر گروگاتگیری و با پرچم 'مرگ بر امریکا و شوروی'، هر چه برسر راهشان

Türkmenistanıň...

1991-nci yilň Oktober ayınıň 27-sinde Türkmenistan republikası öz milli erkinligini re 1992-nci yilň Mars ayınıň 2-sine bolsa milli döwletimiz "Birleşen milletler guramasına" agza edilip alındı. Bu waka yer şarında yaşayan her bir türkmeniň ruhuna ruh, canına can, buysancına buysanç goşdı. "Dünyä türkmenleriniň humanitar birleşigi" diyen gurama döredilip, dünyä türkmenlerini bir saçagıň başına üşmegi maksat edindi.

Yöne "garibiň agzi aşa yetende burni gaanar" diyleni, şeyle bir guwandırıcı eyyämda döwlet başına geçen ozalkı bürokratlar, "orsgulılar", Watanmızı, halkimizi şeyle bir ağır güne saldılar welin aydıp añirsına yeter yalı bolmadı. İnflatsiya gün gitdigiçe artıp, korropsiya iyli çökerdi, insan hakları gödeklilik bilen depelenip gelyär, metbugat we söz azatligi ikrar edilmän, oppozisyon toparları iyzarlanyar, yok edilyär, sürgün edilyär, dälihalalara dikilyar...

Häzir erkana diyilyän Watanımızda 15000 golay rus saldatı saklanyar, ruslara goşa watandaşlık hakı tanalyar bir wagtda, Eyran rejiminiň terroristik howpından Türkmenistana sığınan türkmenlere watandaşlık hakı berilmän gelyär. Daşarı yurtlarda yaşayan türkmenlere vizasız yurda barmak bolanok we ş.m problemalar gatı kän.

Biziň batır halkımız beyle yagdaya çıdap bilmän 1995-nci yilň july ayınıň 12-sinde ulı demonstrasiya geçirmäge mecbur boldı. Olarıň esası islegleri häzirki döwlet aparatınıň derhal işden çetleşmegidi. Saparmirat Niyazovıň baştutanlık etyän rejimi olara garşı deňi-tayı görölmedik güyç ulandı, onlarça yigit zindana basıldı, olarıň ençemesi ağır giynag astında ömür boyı mayıp edildi.

16 yillap yurdumiziň birinci adamsı bolup gelyän Niyazov, añırbaş diktatura, şaxsiyet kutli rejimi esaslandırdı, ol baş kanunı ayak astına alıp, 1997-nci yilda geçirilmeli prezidentlik saylawı hilegärlilik bilen yatrip ,

özünü 2002-nci yıla çenli Türkmenistanıň diyip ikrar etdirdi. Yurtda erkin meclis, erkin sud sisteması bolamni üçin hiyç kim onuň "towguna tok" diyip bilmeyär.

Yarancaň köşk yazıcıları, şahırları goy, halkıň dilinden Niyazovıň şanına näme aytsa aydibersinler, yöne türkmen halkı bu rejimi islemeyändiklerini öz çikişlerinde biragızdan açık orta atdılar. Türkmen halkı adalata dayanyan, insan haklarını ikrar etyän, metbugat we söz azatligini kabul etyän bir rejimi isleyär. Türkmenistan bilen goňşi yurtlarıň golastında yaşayan doganlarımıza eyelik edip bilcek bir hökümetiň berkarae edilmegini isleyärler.

Tarihı şertler bular yalı diktatur rejimleriň soňuna çikilyandigini subut edip gelyär, biziň Watanımızda-da adalatlı bir häkimiyetiň iş başına gelcegi uzakda dälidir.

**MAYSA KÖSÜKLÄNDE GÜLLI
SÄHRAMDA,
GÜLDEN SORASINLAR MENIŇ
DERDIMI,
HAYSI YERDE, NIRELERDE
BOLSAM-DA,
RUHUM BILEN SÖYENDIRIN
YURDUMI.**

ANNASOLTAN KEKILOVA

حاکم بر ایران بوده اند که همانند مواد خام بنای استبداد و سیاستهای ضد ملی سفنگان بکار گرفته شده اند. مسئله فوق، نه تنها بیانگر عقب ماندگی و خیانت پیشنگی اینگونه احزاب و سازمانهای سیاسی ملت حاکم است، بلکه به حیثیت این ملت نیز در افکار عمومی بقیه ملت‌های تشکیل دهنده ایران و در نزد اذهان بین المللی نیز بشدت لطمه زده است. زیرا، احزاب و سازمانهای سیاسی هر ملتی، سطح فرهنگ سیاسی، توقعات و خواست های آن ملت را انعکاس داده و خود بیانگر سطح شعور اجتماعی و سیاسی آن هستند.

امروزه، تداوم بی وقفه حکومت سفنگان فارس در ایران در سده اخیر و جنایات و خیانت‌هایی که آنها بنام ملت فارس و به نیابت از طرف این ملت علیه ایران و علیه دیگر ملت‌های تحت ستم در این کشور مرتکب شده اند، ظرفیت و لیاقت ملت فارس را در بدست گرفتن قدرت مرکزی در آینده، حتی با مشارکت دادن نمایندگان دیگر ملت‌ها در حکومت و برسمیت شناختن حقوق ملی آنها، در اذهان عمومی ملت‌های غیر فارس ایران، بشدت بزیر سؤال کشانیده است. اما، بنظر میرسد که روشنفکران ملت حاکم بر ایران، بویژه احزاب و گروه‌های سیاسی خود فروش آگاه و ناآگاه، به مسئله فوق کاملاً بی توجه هستند و هر روز که میگذرد در بی حیثیت تر ساختن ملت خود، در نزد دیگر ملت‌های تحت ستم ایران اصرار می ورزند! دیروز آنها، همراه با تحکیم پایه های حکومت سفنگان روحانیت شیعه بر ایران، هر یک با حرارت تمام در مورد حقوق ملی ملت‌های تحت ستم، به اظهار فضل پرداخته و یکی در رد این حقوق طبیعی ملت‌های تحت ستم و دیگری در پذیرش 'مشروط' و 'سر و دم بریده این حقوق فقط در چهارچوب کشور ایران'، گلو درانی میکرد. هر چند که هیچ یک از ملت‌های تحت ستم ایران، هیچگاه حق قیومیت خود را به آنها تفویض نکرده اند! امروزه که همگی آنها، مزد خدمت خود در تحکیم نظام دیکتاتوری ولایت فقهی شیعه را دریافت کرده اند، باز نیز جهت نزدیکی به حاکمیت سفنگان، به دنبال یافتن نقطه مشترک خود با حکومتیان، قیم مابی خود را بر این ملت‌های تحت ستم ایران رها نکرده و رویی بیش‌زمانه و گروهی دیگر بی شرمانه و گروهی دیگر شرمگینانه، در رد

شرکت دیگر احزاب و گروه‌های سیاسی شرکت کننده در انقلاب باقی نمی گذاشت. زیرا خمینی و همراهان وی در آن شرایط، هنوز دستشان نه به جایی بند شده بود و نه ریشه و پایه ای داشتند و نه از اصول دولتمداری آگاه بودند. این امر نه تنها نمیتوانست حیثیت نهضت آزادی، مهدی بازرگان را در انظار عمومی بالا ببرد. بلکه نمیتوانست مسیر تاریخ کشور را نیز نه در جهت تحکیم استبداد نوین، بل در جهت اهداف مردمی انقلاب ۲۲ بهمن قرار دهد. دیگر عضو نامتجانس این ارکستر سفله پروری، حزب توده بود که تحت نام پیروی از خط انترناسیونالیسم پرولتری خود و در اصل پیروی مطلق از سیاست خارجی حزب کمونیست شوروی سابق، به 'خط امام' پیوست و نبرد علیه دموکراسی و آزادی را تحت عنوان مبارزه با امپریالیسم و لیبرالها، با حرارت تمام آغاز نمود. دیگری که در قبل و در بنبوحه بعد از انقلاب به کمتر از مبارزه مسلحانه رضایت نمیداد، بعد از کشف سائیده شدن دگم های حاکمیت در عمل به همراه حزب توده در وجود سفنگان بقدرت خزیده به خط 'استحاله حاکمیت جدید' رسید و با در هم شکستن تابوی مبارزات مسلحانه خود، کمر به 'شکوفایی نظام جمهوری اسلامی' بست و در مقابل آماج‌های انقلاب و توده‌های مردم قرار گرفت! یکی دیگر از این سفله پروران که در آغاز ملیشویی خود را در اختیار 'امام مسلمین' جهت سرکوبی مردم، بویژه سرکوبی جنبش‌های ملی ملت‌های تحت ستم قرار داده بود، چون به دایره قدرت سفنگان حاکم پذیرفته نشد، با آغاز اقدامات تروریستی، آتش بیار معرکه استحکام استبداد نوین گردید! دیگری نیز، در بهترین حالت، با کشف تئوری فاشیسم در وجود حاکمیت نوین، همانقدر که در اثبات صحت 'تحلیل' خود از رژیم ملایان شیعه، تلاش ورزید، به همان اندازه نیز از شرکت در مبارزات عملی مردم علیه سفنگان فاصله گرفته و در قلاب تابلوی تئوری‌های روشنفکرانه جدا از مردم، بر دیوار شکسته دموکراسی و آزادی جای گرفت. والی آخر... بدین ترتیب، در سده اخیر در ایران، بازی تاریخ از فراز سر اکثریت میانی جامعه به اجرا در آمده است. اما آغاز و فرجام آن، برخلاف جوامع متمدن و پیشرفته امروزی، نه در دست نخبگان ایرانی، بلکه در دست سفنگان بوده است. یار و یاور این سفنگان نیز در ایران، همیشه روشنفکران و نخبگانی خود فروخته از ملت

هیچ دیل بیزینگ دیلیمیزدن بای هم بیزه یاقین دالدیر

Hiç dil biziñ dilimizden baay hem bize yakıyn dälđir

دی، سبأپ ۳۰۰ ییلدان باری عاراپ دیلی ایرانینگ مرکزینده باشغا دیلری باسغی آستینا آلیپ، اولاری یوق ادیب گلیاردی.

بو دووردن سونگ دری دیلی عاراپ، تورک و باشغا دیلردن تاثیر آلیپ اورتا چیقیار. اونونگ گراماتیکاسی عاراپ، تورک دیلری نینگ اساسیندا دوزیلیار. اگر تورک آصیلی چاغداش عالمی دهخدا بولمادیق بولسا پارس دیلی بو گون گراماتیکاسیز آساق بیر دیل بولوب قالاردی.

بارپ ۱۵-نجی عاصیردا پارس دیلی بیلن تورکی دیلینی دنگشدرمه حوکومنده عیشیرنوی نینگ یازان محاکمه الغتین اثرینده تورکی دیلی نینگ اوران بایدیغی باراسیندا قاناحاتلاندیرجی دلیلر اوتگه سورولیار. پارس دیلچیری هنیز بو گونه چئلی بو اثره جوغاپ بئریپ بیلان گلیارلر. بو بارادا باشغا بیر چاغداش آذربایجان عالمی احمد کسروی شئله یازیدیر:

"حاضیرکی پارس دیلی، تورکی دیلده آنکساتلیق بیلن دوشوندورپ بولیان سوژ مانیلارینی دوغری-درست دوشوندیرمگی باشارمایار". میثال اوچین تورکلر یکجه سوژلر بیلن آقا یا-دا اینی مانی سینی بیان ادیب بیلان بولسالار، پارسلار اونی ایکی سوژ بیلن یاغنی برادر بزرگ یا-دا برادر کوچک سوژلری بیلن دوشوندیریارلر.

اورتا چاغلاردان یادیگار قالان اهللی علمی، فیلسوفیک و منطق اثلری عاراپ دیلینده یازیلاندیر، بو علمی بوداقلار باراسیندا پارس دیلینده هیچ بیر علمی ایش یازیلان دالدیر دییسه بولار، اگر-ده یکه-تاک اثر بار بولسا اونی عاراپ دیلینی بیلمه یانلنره اوقیماق ممکن دال، سبأپ پارس دیلی نینگ ۸۰%-نی عاراپ سوژلری عمله گئتیریار. مشهور تورک عالیملری ابن سینا، ابوریحان البیرونی و خوارزمی نینگ اثرلری عاراپ دیلینده یازیلاندیر. پارس دیلی، علمی و فیلسوفیک مانیلی اثرلری بیان ادمگی باشارمایار. ایزی ۱۱-نجی صاحبیادا

تورکمن دیلی نینگ دوولت دیلی بولماغی اوغروندا ۸۹-نجی ییلدا قیزغین دیسکوتسیالار آلیپ باریلدی. واطانمیز ارکینلیگینه قاوشاندان سونگ تورکمن دیلینه دوولت دیل استاتوسی بئریلدی. اما مونگ یانیندا قونگشی ایران دوولتی بیلن سیاسی هم اقتصادی تایدان آراغاتاشیقلارینگ اوسمگی، تورکمنیستاندا پارس دیلینی ساپاق بئریمان انچه کورسلار یولا قویولماغینا سبأپ بولدی. مونگا دلیل حوکومنده گویمه بو دیل اهللی گوندوغار ادبیاتی نینگ بای دیلی دیلیپ نیغتالیار. بو دوغرومی؟ گینگ، پارس دیلی نینگ ناحیل دیل دیگی باراسیندا بیر آز دوروب گنجیلینگ:

بو گون پارس دیلی تاجیکستان، اوغانیستان و ایرانینگ کا یئرلرینده دوزلی آکسنلر بیلن پیدالانیلار. پارس دیلی نینگ کوکی حاضیرکی اوغانیستاندا یورگونلی بولان دری دیلی دیر. دری دیلی اوغانیستانینگ تورک آصیلی قازونیتلر سولطانلاری نینگ ایسلگی بویونجا دوولت دیلی بولوب، بو دیلده یازان شاهیرلاری حمایت آستینا آلیندی. بیلشیمیز یالی سولطان ماخیمیت، فردوسی شاهنامه اثرینی یازماغی بویریار، اول-دا اوساتلیق بیلن دورلی میللتلرینگ شول ساندان تورکلرینگ میللی اپوسلاریندان پیدالانیپ، اویدورما و یاساما گورنووشینده، تورکلری قورقاق، پارسلاری بولسا تاثیر دییپ بیر اثر یازیار. فردوسی شاهنامه اثرینده تورکلرینگ میللی قهرمانی آلپ ارتونگکانینگ آدینی افراسیابه دنگشدریب، اونی بیگرنج بیر آدم حوکومنده صیپاتلاندیریار. قازنالی تورکلرینگ پارس دیلینه اهمیت بئرلری نینگ دوپ سبأبی، اولارینگ تورکیستانلی تورکلر بیلن قودراتی ایه لئمنک اوستونده باسدشلیک ادمنکلری بولوپدیر. قازنالی سولطانلار دری دیل بیلن تورک بولمادیق میللتلری هم اوژ طاراپینا چئکمگی نیت ادینیپدیرلر. دری دیلی نینگ تورک سولطانلاری طاراپیندان قولدانماغی نینگ باشغا بیر سبأبی بولسا، عاراپلارینگ اوگونده باشغا میللتلردن هم پیدالانماق طالابی بولوپدیر. اما بو بولماجاق زات

“ **GENEŞ** “ neşiriyäniň hormatlı dolandurçılarına!

“Men şu goşini, Ata Watandan ayra düşüp, gayri yurtlarda mesgen tutmaga mecbur bolan iydeşlerime bağışlayarın”.

Hormat bilen: Kätip

TÜRKMENIŇ OWAZI

Yedi derya, yedi dagı aşsaňda,
Çikmaz seň yadından türkmen owazi,
Ülkänden ayrilip, yaada çassaňda,
Mıdam gulagiňda türkmeniň sazı.

Watandan daşlariň derdini zarlar,
Ülke-Ülke söküp balasın barlar,
Watan unudanı ömürlük harlar,
Türkmeniň owazı, türkmeniň sazı.

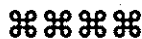
“Daş galdı” da, daş galanlar yanar,
“Gelermen” de, gelceklere guwanar,
“Wusalıň” da, wusallılardan ganar,
Türkmeniň owazı, türkmeniň sazı.

“Dag arman” da, armanlılar aglar,
“Garıbım” da, grıba yürek daglar,
“Arzuman” da, arzuwlara yil baglar,
Türkmeniň owazı, türkmeniň sazı.

“Gökdepe” mukamda yadıňa salar,
Gırılsa “Garrılar”, “Orazlar” galar,
“Teşnit” de bar köňül arını alar,
Türkmeniň owazı, türkmeniň sazı.

“Gırklariň”, gırkisi-da gam sazlar,
“Yandım” ında mayadan beter bozlar,
“Azatlıgi” bilen köňlüni yazlar,
Türkmeniň owazı, türkmeniň sazı.

Kätip aydar: “Dilim girik” ussada,
Hanı altın käse, gan yalı bada?
Deňsizdir, taysızdır bütün dünyäde,
Türkmeniň owazı, türkmeniň sazı.



*Ak-muhammed Welsapariň “Gara öy” adlı
goşgi yigindisindan:*

YAYI GOY!

Al dünyäde meniň bari-yogumı,
Emma yüregime yakin öyi goy!
Taala düme biten bakca-bagımı,
Yöne maňa guş gonarlık paayı goy!

Baylıgi nädeyin, al meň malımı,
Sorama sen pese düşen halımı,
Sen zalım bol, küysetme sen zalımı,
Yöne maňa gara gözi bayi goy!

Baylık kändir gara yeriň astında,
Sat, sowur sen, gelcegiň kastında,
Yöne meniň Watanımıň üstünde,
Yıldizları, asmanı, günü, ayı goy!

Çöli bilen dagı bilen yüzlüniň,
Düzleri uşlanan sähra-düzlüniň,
Yöne maňa yarım gara gözlüniň
Gözleriniň üstünde goşa yayı goy!

Tilla berdiň haka garşı gidene,
Sen kepen payladıň hata edene,
Rahat yatar yalı garıp bedene
Gara yerde bir kişilik cayı goy!

Mukaddeslik goymadıň sen bu dilde
Namart tohum ekdiň aslı mert ilde
Nämä tokunsaňam, çakıni bil-de
Pıgammer, perişde, Hak-Hudayı goy!



نقدی بر کتاب حکایت دختران قوچان
نوشته افسانه نجم آبادی قسمت آخر

فرهنگ فارسی و گسترش فرهنگستان زبان فارسی با سرمایه های مشترک تمامی ملل ساکن ایران که امروزه نیز این عظمت طلبی و گسترش زبان فارسی در داخل و خارج توسط جمهوری اسلامی دنبال میشود و ... همه و همه نشان از توطئه های رنگارنگ علیه ملت ترک زبان ایرانست. سردمدارانی که تا دیروز دست در دست تزاران روس سرزمین ما را دو پارچه نمودند امروزه با کمال وقاحت و پررویی ادعای ملکیت بر آنجا داشته خواهان "بازگشت آن سرزمین به آغوش ایران اسلامی" را در سر می پرورانند. شایان ذکر است که پس از استقلال جمهوری های ترک زبان هم مرز با ایران (ترکمنستان و آذربایجان) فارسیهای عظمت طلب چه در داخل حاکمیت و چه به اصطلاح اپوزیسیون در انجام سرکوبی احساسات ملی شب و روز در پی توطئه اند و این بیش از هر چیز هوشیاری و بیداری ملی ما را می طلبد.

و اما سخنی نیز با مسئولین انتشاراتی باران !
جای بسی تأسف است که در تاریخ فعالیت فرهنگی تان با چاپ و نشر اینگونه آثار که مستقیماً موجودیت ملتی را با توهین هایی که بیش از هر چیز شایسته نگارندگان آن می باشد زیر علامت سنوال برده خشم و نفرت ملت ترکمن را متوجه خود ساختید. کوچکترین اقدام انسانی شما در رفع این لکه سیاه قبل از هر چیز عذرخواهی از ملت ترکمن و دادن قول مبنی بر اینکه منبعث آثاری از این نوع را چاپ و منتشر نخواهید کرد. "عاقیلا اشارت، آقماغا کوتک" (به عاقلان اشارتی کافی است، کتک شایسته احمقان است) . ا. گلی

در ص ۱۷۱ کتابتان از قول وزیر عدلیه وقت فرمانفرما بهنگام سخنرانی در مجلس نوشتید: "همینطور که از آن طرف می آمدند اسیر میبردند، از این طرف هم می رفتند و به غارت می آوردند و این مطلب معمول بود"

در باره سرنوشت دختران قوچان همانگونه خود نیز اشاره کردید، ارامنه عشق آباد و روسها دخالت مستقیم داشتند.

هدف اصلی این سوداگران انسان بنمایش در آوردن آنها در کافه رستورانها و کسب درآمد بود. در ص ۳۳ کتابتان نوشتید که این دختران در قهوه خانه آواز (کافه شاننتان) تغلیس به خواهش روسها و ترکمنها آواز می خواندند. باید اذعان کرد که معلومات جغرافیای شما هم مانند معلومات تاریخی تان ضعیف است، آخر، تغلیس گرجستان کجا و ترکمن کجا؟ از آن گذشته در آن دوره در سراسر ترکمنستان کافه ایکه ترکمن اداره کند و در آن دختران قوچانی را به آوازخوانی و رقاصی وادارند اصلاً وجود نداشته. اساساً این نوع فرهنگ یعنی کافه داری و مشروب فروشی با روحیه ملت ترکمن سازگار نبوده است.

مختصر کلام آنکه، قریب به ۳ میلیون ترکمن در اثر سیاستهای بغایت شوونیستی حکومتهای مرکزی بیش از یکصد سال است که داغ تبعیض نژادی و آپارتایدرا با گوشت و پوست خویش احساس می کنند. جنایات رضاخان و محمدرضا در ممنوع ساختن زبان، فرهنگ و سنن ملی، غصب اراضی مزروعی شان با گماشتن جلدانی چون سرلشکر مزین، بیگانه ساختن نسل جوان از تاریخ و مفاخرات ملی شان، خوار و کوچک قلمداد کردن زبان و ادبیات ملل غیر فارس زبان، بزرگ نمودن

میلی کالینداریمیزدان اکتبر-نوامبر واقعالاری

Milli kalendarımızdam: Oktiyabr-Noyabr wakalari

۱۱ اکتبر ۱۸۸۱	مدرن تورکیه جمهوریتی نینگ دویونی توتوجی کمال مصطفی پاشا آتاتورکونگ دۇغلان گونی.
۳ اکتبر ۱۹۰۸	تورکمنیستانینگ سویگولی پره زیدنتی شاجا باترئنگ دۇغلان گونی.
۱۵ نوامبر ۱۹۱۰	تورکمنلرینگ آدیدان آناجان آخون یارالی نینگ ایران مجلسی نینگ ایکینجی دوور سایلونتا کزوموش دپه دن وکیل سایلانماغی.
اکتبر ۱۹۱۶	ژنرال مادریتوونگ باش توتانلغئندا روس غوشونی چاتئنگ اوستی بیلن کومت قاویزا هجوم ادیپ باشلاماغی. تورکمن غوزغالانگچئلارننا یاردام برمک ماقصادی بیلن بیرناچه تورکیه لی آفیتسر تورکمن صأحراً گلیپ، کوموش دپه ده عثمان آخون بیلن دوشوشماقلاری.
نوامبر ۱۹۱۶	مادریتوونگ غوشونی نینگ آق غالا و کومت شأهرینی قانا چایقاماغی.
۷ نوامبر ۱۹۱۷	بلشویکلرینگ بوتین اورسینده ینگیش قازانان گونی.
۲۹ اکتبر ۱۹۲۳	آتاتورک ینگ تورکیه جمهوریتی نینگ جمهور باشلغنا سایلانماغی. تورکیه ده جمهوریت انغلان ادیلن گونی.
۲۰ اکتبر ۱۹۲۴	تورکمن وکیل لری - عثمان آخوننگ ایبرمگی بویونچا - آسترابادا بارئپ حاکیم بیلن ارکین تورکمن دوولتی نینگ شرطلاری باراسئندا گورلشمکلری.
۲۷ اکتبر ۱۹۲۴	قایغیسیز آتابای و ندربای آیتاکنگ تاغاللاری بیلن تورکمنیستان ساویت سوسیالیستیک جمهوریتی نینگ TSSR-ینگ انغلان ادیلن گونی.
۴ اکتبر ۱۹۲۵	یاشولی لارئنگ کومیش دپه داکی یئغناغئندا نپس سردار حوکومت بیلن یاراغلی چاقناشغنا گیرمه گینگ طاراپنی چالماغی.
۵ اکتبر ۱۹۲۵	ایرانینگ مرکزی حوکومتی نینگ، تورکمن حالقینا حاییات آتماق اوچین، کومیش دپه و ساللاختنگ اوستوندن حاربی اوچاق بیلن مانور برمگی.
۷ اکتبر ۱۹۲۵	گوکلنگ یاشولی لاری نینگ آله یارحاتئنگ باش توتانلغئندا کریم ایشان اویاسئندا یئغناشماقلاری.
۹ اکتبر ۱۹۲۵	ظالمیقدا یاقاسینی تانادان ژنرال زاهدی نینگ باش توتانلیغیندا ایران حوکومتی نینگ مدرن یاراغا بسله نن ۴ اولی غوشون تۇپاری نینگ تورکمن تۇپراغئنا طاراپ یوزیش ادیپ باشلاماغی.

ملی کالینداریمیزدان... Milli kalendarımızdan

۱۰ اکتبر ۱۹۲۵	ایران غوشونی نینگ کومیش دپانی باسئب آماغی.
۱ نوامبر ۱۹۲۵	حوکومتینگ ایبرن جزا بریجی غوشون توپارلاری کومت شاهرینه گیرمگی.
۲-۸ نوامبر ۱۹۲۵	تورکمنلرینگ ایلکینجی بوسغونلاری نئنگ تورکمنیستانا گچمگی. عثمان آخون و آله یار خانینگ سرحد غار اوللاری طاراپتندان توساغ ادیلمگی.
اکتبر ۱۹۲۶	میکي سردارجونید حانینگ ایران تورکمنلری نینگ آراستنا سیغینماگی. تورکمن تویراغئندا ایلکینجی گزک پارس دیلینی ساپاق بریان مکتبلرینگ آچیلماگی.
۱ اکتبر ۱۹۲۹	تورکمنیستاندا یازوو حاطی عاراپچادان لاتینچا گچیریلمگی.
۱۰ نوامبر ۱۹۳۸	کمال مصطفی پاشا-آتاتورکونگ-آرادان چئقان گونی.
۱۷ نوامبر ۱۹۴۰	باغشی اوراز سالئرئنگ آرادان چئقان گونی.
۶ نوامبر ۱۹۴۱	آشغاباتدا ماغتمغولی آندنداقی اپرا و بالت تئاتری نینگ دوره دیلمگی.
۲۷ اکتبر ۱۹۴۲	گورنوکلی دیلچی عالم کومشالی بوری نینگ آتلئب اولدوریلن گونی.
۸ اکتبر ۱۹۴۳	گورشجنگ شاهنیر شالی ککیل ینگ آرادان چئقانی.
۵ اکتبر ۱۹۴۸	آشغاباتدا گوچلی یر اثرانئب، ۱۵۰ مونگه غولای ایلاتینگ وپات بولماگی.
۶ اکتبر ۱۹۶۳	رحمت الله فهیمی(تورکمن)، تورکمنلر آندندان مجلسه وکیل سایلانیر. دکتر غاراداغلی نئنگ همتی بیلن انجمه تورکمن بالالاری نینگ تورکیبا اوقووا ایبریلمگی.
۱۴ اکتبر ۱۹۶۵	سویگولی پره زیدنت شاجا باتئرینگ، چئقش ادیب دوران سالوندا جان برمگی.
اکتبر ۱۹۷۱	کومت غابوسدا گورشجنگ بیگیتئرینگ تاغاللاسی بیلن ۳ گجه لاپ آیدئم- ساز و غوشغی داباراسی گچیریلیار. ساواک ۲۰ سانی تورکمنی توساغ ادیار.
۲۹ نوامبر ۱۹۷۵	غوربان ناظر عزیزینگ ۳۵ یاشئنگ ایچینده اولدوریلمگی
۲۲ نوامبر ۱۹۷۷	تورکمنینگ سویگولی اوغلی دکتر آخمت غاراداغلی نئنگ آرادان چئقان گونی.
نوامبر ۱۹۷۸	بوتین ایراندا پادشاه غارشی غوزغالانگ توریار. کومیش دپه لی موغاللئملار ایش تاشلائش پروتستینی انغلان ادیارلر.
۲۹ نوامبر ۱۹۷۹	مدنی و سیاسی اوجاق اوز بیلدیرشینده تصدیق ادیلن تازه اساسی قانون اوچین گچیریلجک رفراندوما غاتتاشماجاغتی بیلدیریار. تازه قانون بوی جا، یوردینگ پره زیدنتی شایی مذهبی بولوپ، بو مذهب یوردینگ رسمی مذهبی دییب انقرار ادیلیار.
۳۰ نوامبر ۱۹۸۳	گورشجنگ زنان شاهنرا آناسولتان ککیلا ۱۳ یئل توساغان سونگ، دالی حانادا ساقلانئب، ذرلی پسیکوئراییک چاره لرنئتجه سینده وفات بولماگی.
۲۷ اکتبر ۱۹۹۱	تورکمنیستان جمهوریتی اوز میلی غاراشسزلئغنی جار ادمگی.

حودورلان: آقمیرات گورگنلی

هیج دیل بیزینگ...

دیلینگ اساسیندا یاغنی قورولیش سیستماسیندا لوگیکا حاکیم بولمالی. عاراپ، تورک و آلمان دیللیری بو قاعده اوینوندیر. اما پارس دیلینده بولار یالی لوگیکانی گوروپ بولمایار. میثال اوچین پارس دیلینده سانلاری ۱-۹-۱۱-دده ۲۰-ه چئنلی باشغا حیل یاغنی کیچی سانه ۱۰ سانینی آرتدیریپ آیدیارلار، سانینگ آیدیلیشی بیلن گورکنزیلیشی دنگ چیمایار پارس دیلینده ۱۱-ه (یازده) یاغنی یک از ده (اوندان بیر) دییارلر، اوندان بیر بولسا ۱۱ مانی سینی آنگلامایار. سانلار، ۲۰ بیلن ۱۰۰ آراسی هم باشغا حیل یاغنی اولی سانا کیچی سانی قوشوپ آیدیارلار. ۱۰۰-دنن یوقاری سانلارینگ آیدیلیشی دوغوردان گولکونچ. پارس دیلینده ایکی یوزه (دو بیست) یاغنی ایکی بیگرم دییارلر، اگر بو سوژ ۱۰ بیست یاغنی ۱۰ سانی ۲۰ بیگرم بولسا اوندا اول ۲۰۰-ینگ یترینه ۲ مونگ بولیار. شئیله-ده اوج یوزه (سی صد) یاغنی اوتوز سانی یوز دییارلر. بو دیلینگ کمچیلیگینی، گراماتیک نایدان اصلا بولمایان طاراپلارینی بیر ماقتلادا بیان ادمک ممکن دال. اساسان بو دیلینگ اوزونه ماحصوص گراماتیکاسی یوق. اولار خوردن (اییمک) سوژینی هم ایچماگه، هم اوشه ماگه، تاییب یئر یقیلماغا، آدانماغا، ایکی کیشی نینگ آراسی دنگمگینه وینه بیر توپار سوژلرده پیدالانیارلار. بو دیلده هنیز بو گونه چئنلی بیر سیمفونیککی اثر یازیلماندیر.

پارس دیلی، دینی مکانلاردا ذکر آیدیب، مصیبت خانالاردا آیدیلیان قوشغی-غزل لار اوچین قاتی آماتلی دیل. اونودیلیپ باریلیان بو دیلینگ باغیتنا اسلامی حوکومت دور آپ اونی یوق بولماقدان قوتاردی. ۲۰-نجی عاصرینگ باشلاریندا انگلیسلر، ایراندا بو دیلی اوسدورمک اوچین اللریندن گئلنلرینی قایغیرمادیلار. اولارینگ بو ایشدن اساسی ماقصاتی، تورکی دیلی و مدنییتی هم ایران چاگینده هم-م آنادولیدا قیسیلیپ ساقلانماغی بولوپدیر. ایران پادشاسی مامت ارضاشاه، پارس شوونیزمینی اوتگه سوروپ، پارس بولمادیق میللتلرینگ آغیزلارینا هم دیلترینه زنجیر اوردی. پارس

دیلی ایراندا یاشایان تورکمترینگ قانیم دیلی بولوب گئلدی. حتی بوگونلر اوزلرینی اسلامچیل، عاراپ دیلی و مدنییتی نینگ طاراپدارلاری ساییب گلیان ایران حاکمییتی، یوردینگ میلی بودجیتیندن میلیونلارچا دولاری هم یورت ایچینده هم-م یورت داشیندا دینگه پارس دیلینی اوسدورمک اوچین صارپ ادیب گلیار. پارس بولمادیق میللتلره شول ساندا تورکمترلره اوز میلی مدنییتی و دیلینی اوسدورمک اوچین بیر کوپیک هم بئرلمه یار.

تکنولوگیانینگ اوسیان بیر دورونده پارس دیلی نینگ دونیا موچنرینده هیج حیل دنگری یوق. اساسان یورت ایچینده تاهراندا باشغا یئرلرده بو دیلی اونچاقلی دوشنوب هم دورلانوقلار. مونینگ یترینه ایرانلی لار اوچین انگلیس یا-دا تورکی دیلی اورتاق بیر دیل بولماغا اوزان آماتلی. ایرانلی تورکمترلره شئیله قانیم بیر دیل بولوب دوران پارس دیلینینگ، تورکمستاندا بئله سیلاغلانماسی دوشنوکسیز بیر زات.

نوری دردلی

Mätäci:**Är dörär**

Iyl azanda töre çikar pes yerden,
Halk içinden bir biydöwlet är dörär.
Doññuz depä çikar, garsak guwrt awlar,
Kelpezeler hisirlanıp maar dörär.

Gaplañ yoldan çikar, tilki iyl gezer,
Pişik adam iyip, siçan yol bozar,
Garga bilbil bolup, bagdan gül üzer,
Bilbiller gül tapmaz, tiken-xaar dörär.

Şagal şiyr baalası bilen iyş salar,
Tilki şiyr awunı elinden alar,
Ak ceren torsukdan kân gayra galar,
Halk içinde bir afeti-naar dörär.

Yüregimde gaan toxmun ekmäge,
Kast ederler öyün yıkmaga,
Mätäci diyir meni ooda yakmaga
Annagül isimli ziyba yaar dörär.



شقاوت و استبداد تمام در ایران حکومت کرده و بغیر از تلاش در گسترش این امپراطوری، بحساب توده های زحمتکش و ضمیمه ساختن خاک دیگر ملت‌ها به خود، اقدامی در جهت تأمین مختصری آزادی و آبادانی این کشور نکرده اند. هر چند، در طول هزاره ها فقط میتوان دوران شش ساله حکومت کریم خان زند را استثنائی در توقف لشکرکشی های عظمت طلبانه و آغاز آبادانی ایران دانست که وی بنابه نظر بسیاری از ایران شناسان، نه از ملت فارس بلکه ملیتی کرد داشته است!

بنابراین، ملتی که خود هیچگاه، رنگ دمکراسی و آزادیخواهی را بخود ندیده است، چگونه میتواند سر مشق و نمونه ای از ملتی دمکرات و با فرهنگ سیاسی ارائه داده و داعیه رهایی دیگر ملت‌های تحت ستم ایران، از دیو استبداد و دیکتاتوری را داشته باشد؟ چگونه میتوان انتظار داشت که از میان چنین ملتی، روشنفکران و نخبگانی با فرهنگ سیاسی کامل و دمکرات و آزادیخواه صادق و شخصیت های قائم بذات و بدور از فرهنگ سفله پروری، بغیر از معدودی انگشت شمار و استثنا، جهت رهایی ملت خود از استبداد و رهایی دیگر ملت‌ها از یوغ ستم ملی، قد برافرازند؟

استبداد و دیکتاتوری در طول قرن‌ها در ایران، بویژه در میان ملت فارس، صرفاً در حد مناسبات حاکم بر قدرت سیاسی محدود نمانده، بلکه با نهادی شدن آن در تمامی شئون جامعه، بصورت یک نظام سیاسی - اجتماعی، فرهنگی در آمده است. همین مسئله نیز بدنبال خود یک سلسله معیارها، ارزشها و خصوصیات فرهنگی خاصی در میان این ملت بوجود آورده که آنرا بغیر از تفاوت‌های ملی و نژادی خود با دیگر ملت‌های تشکیل دهنده کشور ایران، تا حدود زیادی از این ملت‌ها، متمایز ساخته است.

روشنفکران و نخبگان و حتی سفنگان این ملت نیز، مسلماً بری از این خصوصیات فرهنگی دیر پای ملت خود نبوده، بلکه سیاست گذاری و منشی مبارزاتی و حتی خصائل اخلاقی آنها، دقیقاً نمادی عینی از این فرهنگ میباشد.

مجموعه فرهنگ سیاسی ملت حاکم در ایران که همراه با

بقیه در ص بعد ۴

حقوق ملی این ملت‌ها، هم آواز با حکومت مرکزی ایران، در جهت تدارک ستم ملی بر ملت‌های تحت ستم تلاش میورزند!

با توجه به مسئله فوق، بدیعی استکه، ترس محمد رضا شاه پهلوی، هنگام فرار از برابر چند آیت الله شیعه، از ایرانستان شدن ایران، کاملاً بيمورد بوده است؟! زیرا، امروزه ارکستر جدیدی از شوونیست‌ها در ایران شکل گرفته است که اعضای آن از دشمنان سابق محمد رضا پهلوی، یعنی چپ‌های افراطی دیروز و روحانیت سفله حاکم و پان ایرانیست‌های جدیداً شکل گرفته، تا سلطنت طلبان دیروزی و مشروطه خواهان امروزی گسترش یافته است، و اگر دیروز محمد رضا شاه با دادن شعار کوروش آسوده بخواب که ما بیداریم! (ادامه تراژدی کشورگشایی شاهان هخامنشی را در قرن بیستم، در مخیله مریض و پان ایرانیستی خود کمیک وار می‌پروارند، امروز، این ارکستر جدید شوونیست‌ها، ملودی محمد رضا شاه پهلوی آسوده بخواب که ما بیداریم! را بصورت کاملاً هماهنگ و دسته جمعی می نوازند!

بنابراین، آن گرایش و تمایلی را که دردنیای، سعی در ارزیابی یک نژاد، یک ملت و یا هر گروه اجتماعی معینی را بر اساس کم ارزش ترین و پست ترین اعضای آن دارد، نباید غیرمنصفانه دانست. زیرا، ویژگی‌ها، خصائل و سرنوشت سیاسی و اجتماعی یک ملتی میتواند از طرف پست ترین عناصر آن رقم زده و تعیین شود. همانگونه که در ایران، حداقل در سده اخیر، در مورد ملت فارس چنین بوده و هست!

اساسیترین مولفه هایی راکه مداوم حاکمیت سفنگان با همکاری آگاهانه و ناآگاهانه روشنفکران و به اصطلاح نخبگان ملت فارس و مداوم شونیسم سرکوبگرانه بر دیگر ملت‌های غیر فارس رادر ایران باعث شده است، در فرهنگ حاکم بر این ملت، بویژه در فرهنگ سیاسی آن باید جستجو کرد: واقعیت تاریخی این استکه، ملت فارس و به‌مراه آن ملت‌های که در چهارچوب کشور ایران در بند کشیده شده اند، هیچگاه ذره ای آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی را بخود ندیده اند. هر فاتحی و هر حکمرانی، چه فارس، چه یونانی، چه عرب، چه ترک، چه ترکمن و چه مغول و چه... با

تورکمن شاهپری آناسولطان ککلیوا

قاوشیریپدی. شئیللیکده بو حابار-حادیثا داشاری یورتلارینگ مطبوغاتیندا چاپ ادیلدی، پروتستلئر بیلدیریلدی، شاهپرینگ بوشادیلماغی طالاب ادیلدی. اما ساویت حاکمیتلری شول طالابلار قولاق آسامدی.

شول وقت، بیر یوقاری وظیفه‌لی تورکمن گونباتارا گئلئن ماحالیندا اوندان آناسولطانینگ اقبالی باراسیندا سورانیندا: "آی، اول دالی، بیزینگ رسپوبلیکامیزینگ یولباشچیلارینا و حاتتا بردی آقا (بردی کربابابووه) دیل یتیردی" دیمک بیلن جا کلننیددی.

شئیدیب، شاهپریمیز آناسولطان ۱۰ بیلدان قاوراق وقت دالیحانادا ساقلاندی و ۱۹۸۳-نجی بیلینگ ۳۰-نجی نوامبرینده بولسا، شول یترده ارادان چیقدی.

بو فاجیغالی یاغدا ای باراسیندا یازجیلار سایوزونینگ مدیریتی، یازجیدیر شاهپری لارمیز شئسلترینی چیقارمان، دیمشپپ اوتوردولار. شول وقت محمدناظار غفوروف و مایا ملایوانی سوراغا چکنمک گئردی آخرین.

شاهپریمیز آناسولطان ککلیوا ۱۹۷۴-نجی بیلینگ آخیریندا، حالقارا یازجیلار قوراماسی بولان "REN" کلویینگ هلند بولومی نینگ حورماتلی آغضالیغینا قابول ادیلدی. اونونگ آدی حالقارا گونا گنجیش قوراماسی Ammnesty international حالقارا جمعیتچیلیک قوراماسی نینگ توسساع عیاللار باراداقی ۱۹۷۵-نجی بیلقی لیستین هگیریزیلدی.

بسیزینگ فکریمیز بویونچه، اونونگ جسندی نینگ تورکمنیستانا گلتیریلیپ، آشغاباتدقی بیر قونومچیلیقدی جایلماغی و اونونگ هیکی نینگ بیکندیلیمگی ایسانگه میناسیپ بولاردی. شاهپریمیزینگ اوزی بیر قوشغوسیندا:

من اولسم-ده، اولمز اصلا عاصیرلار،
من اولسم-ده، اولمز اصلا نسیللر،
منی یاغشیلیدا یادلاسا بیر،
دیری من، دیری.

دیپدیر. ارکین

تورکمن ایلیم ژورنالی ۶-۵-نجی سان ۱۲/۹۵

آناسولطان ککلیوا ۱۹۷۱-نجی بیلدا شوروی نینگ کومونیست پارتیاسی نینگ مرکزی کامیته و پارتیانینگ ۲۱-نجی قورولتایندا ۵۶ صاحبالیق بیر شکایات-ماغلومات یازیب، تورکمنیستانداقی کمچیلیک لری و رسپوبلیکانینگ یولباشچیلارینگ کابیر بیسی-بوجورلیقلارینی فاش اتدی. شول سیاهلی اول ایشیدنن چیقاریلیپدی، اونونگ اثرلری نینگ چاپ ادیلیمگی بس ادیلیدی و شول بیلینگ ۲۶-آگوستیندا بولسا، زورلوق بیلن آشغابادینگ اتگیندکی پسیخیاتریک کلینکه (دالی لئر کسلحاناسینا) یئرلشدیریلیپدی.

شوندان سونگرا، آناسولطانینگ اجسی ۷۲ یاغلی اوغولصحت سیدوا، س س س کپ مرکزی کامیته نینگ حالقارا بولومی نینگ مدیری نیکولایف دینن بیریسینه، شئیلله-ده کگب-نینگ شول واغیشقی باشلیغی یوری آندرمهوا شکایات حاط بیلن یوزلننپ، اوز قیزی نینگ عاقیل-هوشی نینگ یئریندیگینی و اونونگ هیچ وقت بسیجیاتورلارا ایشی نینگ دوشمانلیگینی بیلدیریدی. شئیلله-مه بولسا، ۱۹۷۱-نجی بیلینگ ۲۶-نجی آگوستیندا، جاغیریلما دیق یئرلندن، اولئرینه تیزکومک ماشینی گئلیپ، اونونگ قیزی زور بیلن پسیخیاتریک کسلحانا آلیپ گیدیارلئر.

اوغولصحت اجانینگ شکایاتیندا سونگرا شئیلله دیلیپدیر:

"پسیخیاتریک کسلحاناداکی دوکتورلار قیزی مینگ ساغدیغینی آیتدیلا، یوئه ولین اوندان س س س کپ نینگ مرکزی کامیته نیه راپورت عارضاسینی "نرو(عصب) دارتغینلیغی یاغدا ایندا یازانلیغی" حاقدا اوز الی بیلن بیر دیل حاطی یازیب بئرمگینی طالاب اتدیلئر، یوغسام اونونگ ادیلیک دالیحانادا ساقلانجاقدیغینی بیلدیردیلئر، شئیدیب قورقوزدولار. اما قیزیم ایسلننن دیل حاطینی بئرمکدن بویون قاچیردی."

اوغولصحت اجه اوز نالیشی نینگ دنیا جمعیتچیلیگینه-ده باریپ یتمگی اوچسن، شول عارضاسی نینگ کویالارینی داشاری یورتلی ژورنالیستلارا-دا

ایران تورکمنلری نینگ مدنی سرداری دکترا آخمت قاراداغلی یادلای

کازرون شاهرینه ایبیرلیار، بو یئرده ۱۹۵۰-نجی ییلینگ اورتالارینا چنتلی ایشلن دکتر آخمت قاراداغلی، شول ییل خراسان ولایاتی نینگ نیشابور شاهری نینگ کسئلحاناسیندا ایشلمئلی بولیار. ۱۹۵۲-نجی ییلا چنتلی بو شاهرده هیروروگ بولوپ ایشلن دکتر قاراداغلی شول ییل کومت قاویزا ایبیرلیار و اول ۱۹۷۴-نجی ییلا چنتلی بو شاهرده ایشلمیار، سونگرا گیلان ولایاتی نینگ مرکزی رشت شاهرینه یوللتیار، شول یئرده ایشلاپ یورکا کورمه-گورشه کومت قاویزا گئلن واغتی حاویسزلیق اورگانلار طاراپیندان توساغ ادیلیپ، ۴ آیلاپ گورگن شاهری نینگ زندانیندا اوتوریار.

زنداندان چیقاندان سونگدا ۶ آیلاپ هوا شرطی تایدان ایرانینگ اینگ اربت شاهری بولان یزده سورگون ادیلیار، سونگ ماشادا ایبیرلیار. شئیله لیک بیلن دکتر قاراداغلی ۱۹۷۶-نجی ییلا پئتسیا چیقاریلیار و اوندان بیر سونگ یاغنی ۱۹۷۷-نجی ییلینگ نویابر آیی نینگ ۲۲-سینه ۷۶ یاشینگ ایچینده آرادان چیقار. اونسی کومت قاویزینگ قونومچیلیغیندا جایلا یارلار.

دکتر آخمت قاراداغلی نینگ ایران حاکمیتلری نینگ غاضابینا دوچار بولماغی یوته یئردنن دال، چونکی اول، تورکیه ده، آلماندا اوقاپ، ایشلاپ یورنن واقیتلاریندا-دا، ایرانا قایدیپ باراندا-دا، میلی، جمعیتچیلیک مسئلهلری بیلن مشغول بولیار.

دکتر قاراداغلی تورکیانینگ مغاریف وزیرلیگی نینگ آصیل گئلیپ-چیقیشلاری تورک بولان داشاری یورتلسی اوقووچیلارا قویبیرلیان بورسلا ریندان پئیدالانیپ، ۱۹۶۴-نجی ییلا ۱۵ سانی ایرانلی تورکمن قیزی تورکیانینگ استانبول شاهرینه اوقووا یوللایار. اولارینگ هممسی بو شاهرینگ دورلی

۱۹۷۷-نجی ییلینگ نویابر آیی نینگ ۲۲-سینه بلندمرتبهلی انسان، تورکمنلرینگ علمی-سوادلی بولماغی اوغروندا آنگیرباش اوقیپ هم قایرات ادنن دکتر قاراداغلی نینگ آرامیزدان چیقانینا ۲۰ ییل بولیار. بیز بو ماقالاتی اونونگ یاقین یولداشلا ریندان آنان ماغولماتلار بیلن اوقیجیلاریمیزی دکتر قاراداغلی نینگ بیترن علمی هیلاماتلاری بیلن تانیشدیرماغا سینانشاریس.

آخمت قاراداغلی ۱۹۰۱-نجی ییلا استقولیدا یاغتی جاهانا قدام باسیار. ۵-۶ یاشا یئتئنده کومیش دفأ گوچوپ گئلیارلئر. اونونگ یاشلیق دووری قالاقولی بولیار. سباپ ۱۹۲۵-نجی ییلینگ سونگوندا ایران قشونی تورکمن صأحرانی باسیب آیار و بوتین اوقوو مکتبلئر پارسچا ساپاق بئرماغه مجبور ادیلیار. آخمت ۱۹۲۷-نجی ییلا یوقاری علیم آماق اوچین تورکیا قایدیار. تورکیه ده اونی ایلیکی طرابوزانینگ موغاللیمچیلیک تربیسه بئرلیان مکتبینه یوللاسارلار-دا، اول اوژ خواهشی بویونچا شول ییل قونیانینگ موغاللیمچیلیک مکدئبینه گنچیریلیار. ۱۹۳۲-نجی ییلا بو مکدئبی تاماملاناندان سونگ، آنکارانینگ غازی لیسه سینه ایبیرلیار. ۱۹۳۵-نجی ییلا آخمت تازه آچیلان بو لیسه نی تاماملان ایلیکینی توپارینگ حاطاریندا یئر آیار.

۱۹۴۱-نجی ییلا چنتلی استانبول اونیورسیتتینده مدیسین فاکولتئتینده اوقان آخمت، شول ییل بو اوقووی قوتاریپ، آلمانینگ توپینگئن شاهرینه گیدیار و بو شاهرینگ کسئل حاناسیندا ۱۹۴۶-نجی ییلا چنتلی هیروروگ (جراح) بولوپ ایشلمیار. ۱۹۴۶-نجی ییلا تورکیا و ۴۷-نجی ییلا ایرانا قایدیپ گئلن دکتر قاراداغلی، شول ییل شیراز شاهرینه ایشه یوللتیار. اول سونگرا ۱۹۴۹-نجی ییلا

قیزلارینگ-دا اوغلانلار یالی اوقاماقلارینینگ، عایاللارینگ-دا ارککلئر بیلن دننگ حوققلارا ایه بولماغینینگ طاراپیندادی. دکتر قساراداغی تورکمئنلرینگ آراسیندا طایپا پارازلیق یالی مسئله-لئرینگ آرا آتیلماغینا بییتی قارشسی چیقاردی، چونکی شئیدیپ تورکمئنلرینگ گویجونینگ آزادلیجاق بولونیانلیغینا اینانیاردی. آغزی-پیر تورکمئنلرینگ حوتد مسیندنن گئلیپ بیلمنجک ایشینینگ یوقلوغینی اول هر بیر بیغناقددا بیان ادیاردی.

ایران تورکمئنلرینگ مدنی سرداری، بشیک انسان دکتر آخمت قاراداغلینینگ اوگومینینگ ۲۰-نجی بیلیندا یئنه بیر گئزک یادلاپ، اونگا یاتان یئری یاغتی بولسون آخمت دأده دییپ، تانگریدان راختات دیله یاریس.

دکتر قاراداغلینینگ بو حاییرلی ایشینه، تورکیانینگ شول اوقتلرداقی تاهرانداقی ایلیجیسی بولوپ، سونگ ارمنی تروریستلار طاراپیندان ترور ادیلنن تاها جاریم-نگ، سونگقی باش ایلیچی نجدت کنت-ینگ، شئيله-ده ایلیچی حانانینگ مستشارلاری ایلیحان مورننینگ، ابراهیم دجله‌لینینگ، آتیشه-لئردنن حایدار دیری اوزونگ، محمت توران دنگیزینگ و بنیله کیل-لرینگ گورکئزن اولسی یارداملارینینگ اولی بولانديغینی آغزاب، همه‌سینه میننتد ارلیق بیلدیرمنک بورجومیزدیر. دکتر قاراداغلینینگ ایراندا آلیپ باران شئيله مقدس ایشینه تورکیهدنن نازدوردی یوموت بیلن عبدالرحیم یوموت-دا دنگئرلی یارداملارینینگ بولانلیغینی بو یئرده آغزاب گنچمنگیز گئرک.

دکتر محمت قلیچ:

دونیادکی تورکمئنلر. ص ۱۳۴

مکتبلئرینده اوقایارلار. اولارینگ کابیرلئری بولیماسا، کویوسی اوز اوقولارینی قوتاریپ، یا ایراندا، یا-دا تورکیانینگ و اروپانینگ دورلی دوئلئرینده حیذمات ادیب یورلئر.

دکتر قاراداغلینینگ باشلان بو حاییرلی ایشی، سونگراقی بیللاردا-دا دوام اتدی و تورکیانینگ مغاریف وزیرلیگی نینگ یوریته بورسلا ریندان کوپ سانلی تورکمئنلر پئیدالاندی. ایلیکی باشدا ناچه اوغلانینگ، یا-دا ناچه قیزینگ گئلیپ اوقایانلیغی بیلینسه، ایندی اولارینگ سانینی بیلمنک-ده آنگسات بولمایار. بو ایش دینگه بیر تورکیا قایتماق بیلن چاکلئتمدی و ایران تورکمئنلری سونگرا اروپانینگ دورلی دوئلئرینده و آمریکاهم گیدیپ، اوقاپ باشلادیلار.

حاضیرکی دوورده تورکیه‌ده، اروپانینگ بنیله‌کی دوئلئرینده هم آمریکادا ایشلاپ، یا-دا اوقاپ یورئن ایرانلی تورکمئنلرینگ سانسی باش یوز آدامدان هم کوپدیر دیسنگ یانلیش بولماسا گئرک.

دکتر قاراداغلینینگ تاغاللاسی بیلن باشلانن بو حاییرلی ایشدنن پئیدالانپ، تورکیه هم اروپانینگ دورلی دوئلئرینده اوقاپ یئتیشنن تورکمئنلر اونگا "ایران تورکمئنلرینگ مدنی سرداری" دینن آد بئردیلئر. اونونگ بو باشلان ایشینه ایران حاکمیتیندنن باشغا، یئرلی ملالار و کابیر چیچی تورکمئنلرده پاسگلچیلیک دورندجک بولدولار و اونسی فاشیست دییپ قارالاماغا سینانشدیلار، یوته اول اوز ایشیندنن-ماقصادیندان دانمندی و اوز آدامکارچیلیکی ایشینی دوام اتدیردی.

ایران تورکمئنلرینگ مدنی سرداری دکتر آخمت قاراداغلی اسلام دینینینگ قاعده-قانونلارینا حورمات قویاردی، یوته ایقماندا ملالارینگ اوزلئریندنن چیقاریپ، حالقینگ آراسیندا یایرادیان باطل سوزلئرینه اینانمایاردی. اول

habarlar

حـاـبـاـرـلـار

تورکمنیستان - ۳۰-نجی اکتبر گونی مسکوه اوچماق اوچین آشغابادینگ حالقارا هوا میدانینا گئتن
تورکمنیستانینگ گورنوکلی یازیجی هم شاهیری یاوشان آناقوربانوف، یوردینگ حاویسوزلیق قوللوغی نینگ
ایشگارتیری طاراپندان توساغ ادیلیپدیر.
تورکمنصاحرا - ۲-نجی نوامبرده ایرننینگ حابارینا لایقلىقدا، گویجلی یاغیش ضرارلی سیل آقیپ، ماراوادفه،
گوللیداغ، قازانقایا توورنکلترینه آغیر مادی زیان یئتیدیر. حاباردا ۳۵ سانى اوبا یوللاری نینگ باغلاناندىغی،
۱۷ اوبانینگ سوو توربالاری نینگ شکست گورندىغی، قازانقایانینگ کوپروسى نینگ ویران بولاندىغی، گوللیداغ-
چاتال آراسنادقی یولونگ بوزولاندىغی بیلدیریلیپدیر. شئله-ده شو حابارا لایقلىقدا ۳۰ سانى یاشاییش جایینگ،
۲۵۰ هکتار سويا اکیلنن میدانینگ ویران بولاندىغی، ۱۲ سانى سیغیرینگ اولتندىغی، انچه ماشینی سیل سووی
اکیدندىغی، ۲ سانى اوقوو جایینگ، بیر تلفن مرکزی نینگ زیان گورندىغی بیلدیریلیپدیر.
۳-نجی نوامبرده قاوشان حابارا گوره، ساغات ۱۰/۳۰ تورنکلترینده ۴/۶ ریشتر گویجلی یئر اثرانماسی گورگن
هم شاهرود رایونلارینی تیتیرندیدیر. دوشنن زیانلار باراسیندا ماغومات بئریلماندیر.
پاکیستان - ۲۴-نجی اکتبرده پاکیستاندان قاوشان حابارا گوره بو یورتهده بوسغونلیقدا یاشایان آوغانیستانلی
تورکمنلرینگ یاشایان جایلاری هم سوودا مرکزلی فاناتیک پاکیستانلی لار طاراپندان داشلاتیپ، اولارینگ بو
یوردی ترک ادمکلری ایسلننیدیر. بو ایشینگ باشیندا طالبانلارینگ دوراندیغی مالیم. دمیرقازیق آوغانیستاندا،
ایلاتا-دا تورکمنلرینگ یاشایان رگینونلاریندا آغیر یئتگیشلنره اوچران طالییلار، عارلارینی بیگناه حالقدان
آلماغا چالیشیارلار.

خوانندگان گرامی!

با کمکهای مالی و معنوی خویش ما را در تداوم کارمان حمایت نمایید. نشریه خودتانرا به دوستان و آشنایان معرفی

نمایید. جهت ارسال کمکهای مالی:

TÜRKMEN KF- GEŇEŞI POSTGIRO NR: 4549720-3

GEŇEŞ, INTERNET-de: <http://www.informatik.umu.se/~svpv9628/gengesh.html>**Post adresimiz:**

TÜRKMEN GEŇEŞI
BOX: 47064
402 58 GOTHENBURG
SWEDEN

مقالات مندرج در گنگش صرفاً بیان نقطه نظرات نویسنگان آن بوده و
چاپ آن در نشریه بمعنای تأیید بیگانهها مطروحه در آن نمی باشد.
خوانندگان عزیز! در صورت امکان مقالات ارسالی تان تایپ شده و
حداکثر ۲ صفحه A4 باشد.

Türkmençe makalaları tayp edip, ya-da düşnükli hatda
yazip göndermeňizi hayiş etyäris.